

## ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانهترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما می توانید با مراجعه به **GOOGLE PLAY** و **APP STORE** نرم افزار SKYTRAVELS را دانلود نمایید.



020 230 4949 - 020 230 4848  
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



# Azizi Bank Master Card



www.azizibank.af

1515



یادداشت روز صفحه ۲

## نافرمانی حکومت از مطالبات شهروندی

شورای عالی مردمی در هفتمین روز شهادت نزدیک به ۹۰ تن از اعضای جنبش روشنایی طی یک گردهمایی بار دیگر از حکومت خواست تا ماستر پلان ملی برق کشور را بدون تعلل تطبیق کند و برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان را از مسیر اصلی آن (بامیان-میدان وردک) عبور دهد. شورای عالی مردمی در قطعنامه‌ی خود به حکومت هشدار داد تا در چهلمین روز شهادت ده‌ها تن از اعضای جنبش، به مطالبات شهروندی و خواست مشروع مردم پاسخ مثبت دهد. بنابر اعلامیه‌ی جنبش روشنایی، در صورتی که حکومت به مهلت تعیین شده...



صفحه ۲ .....

**شورای عالی مردمی:  
حکومت فرصت دارد تا  
چهلّم شهدای جنبش  
روشنایی در تصمیمیش  
تجدید نظر کند**



سریعترین اینترنت 3G - بهترین قیمت

# 10GB

در بدل ۱۱۰۰ افغانی

برای اشتراک

10GB را به ۱۵۱ ارسال نمایید



ارتباط دهنده افغانستان  
Connecting Afghanistan

مدت اعتبار: ۳۰ روز

۱۵۲



شنبه  
۹ اسد  
۱۳۹۵  
سال پنجم  
شماره ۱۱۱۵



## یادداشت روز

## نافرمانی حکومت از

## مطالبات شهروندی

شورای عالی مردمی در هفتمین روز شهادت نزدیک به ۹۰ تن از اعضای جنبش روشنایی طی یک گردهمایی بار دیگر از حکومت خواست تا ماستر پلان ملی برق کشور را بدون تعلل تطبیق کند و برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان را از مسیر اصلی آن (بامیان – میدان وردک) عبور دهد. شورای عالی مردمی در قطع‌نامه‌ی خود به حکومت هشدار داد تا در چهلمین روز شهادت ده‌ها تن از اعضای جنبش، به مطالبات شهروندی و خواست مشروع مردم پاسخ مثبت دهد. بنابر اعلامیه‌ی جنبش روشنایی، در صورتی که حکومت به مهلت تعیین شده بی‌اعتنایی کند، جنبش روشنایی بار دیگر و با استفاده از حقوق مدنی خود دست به نافرمانی مدنی خواهد زد. همچنان، جنبش روشنایی با مقصد دانستن حکومت در رویداد دوم اسد، از سازمان ملل خواست تا با ایجاد کمیسیون حقیقت‌یاب بین‌المللی به تمام جوانب این حادثه‌ی هولناک به‌طور شفاف و عادلانه رسیدگی کند. در این گردهمایی فرید حمیدی لوی سازنوال کشور، که ریاست کمیسیون «حقیقت‌یاب» فاجعه‌ی دهم‌زنگ را هم به عهده دارد نیز حضور داشت.

جنبش روشنایی چه از نظر طرح مطالبات، ویژگی‌های نسلی و با توجه به روش‌هایی که این جنبش برای رسیدن به مقاصدش بر گزیده است، یکی از درخشان‌ترین و از بی‌نظیرترین جنبش‌های تاریخ کشور به‌شمار می‌رود. آگاهی و روشنگری عصاره‌ی جنبش روشنایی است و هدف آن مبارزه با تبعیض و بی‌عدالتی. یادداشت کنونی نیت بحث از جنبش روشنایی را ندارد اما از آن‌جایی که آخرین راهپیمایی مسالمت‌آمیز جنبش در پایتخت کشور مورد حمله‌ی مرگبار قرار گرفت و موضوعی را که پس از حادثه‌ی دوم اسد شورای عالی مردمی جنبش روشنایی اختیار کرد، ذکر چند نکته لازم است.

اول: جنبش روشنایی زمانی پا به عرصه‌ی وجود گذاشت که حکومت وحدت ملی با مدیریت شرکت برشنا بر خلاف مطالعات علمی و از قبل انجام شده تصمیم به تغییر ماستر پلان ملی برق کشور گرفت و مشخصاً مسیر لین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان را از مسیر اصلی آن (بامیان–میدان وردک) منحرف کرد. این مساله موج گسترده‌یی از اعتراض‌ها را برانگیخت و سبب شد معترضان به تصمیم کابینه زیر یک چتر گردهم بیایند. با وجود آن‌که طی ماه‌های گذشته انتقادها رو به فزونی گرفت اما حکومت به پای تصمیم خود ایستاد و با ارائه‌ی طرح بدیل حاضر نشد به مطالبات مردم جواب مثبت دهد. صرف نظر از موارد دیگر، جدای از این‌که حکومت حاضر نشد ماسترپلان برق را مطابق مطالعات صورت گرفته تطبیق کند، نتوانست امنیت بی‌نظیرترین راهپیمایی کشور را تأمین کند. کوتاهی حکومت در امر جلوگیری از حادثه‌ی مرگبار باعث شد نزدیک به ۹۰ تن از تحصیل‌کرده‌های کشور به‌صورت غم‌انگیزی به کام مرگ فرستاده شوند. دوم اسد و به خاک و خون کشیده شدن ده‌ها نفر اما بار مسئولیت و انتقادها نسبت به حکومت را دو چندان کرد. اکنون حکومت نه‌تنها باید پاسخگوی مطالبات مشروع و شهروندی مردم باشد، به این امر مهم (رویداد دهم‌زنگ) که اولویت پیدا کرده است نیز باید جواب دهد.

دوم: دو روز پس از تشکیل کمیسیون از سوی حکومت جهت بررسی حادثه‌ی دهم‌زنگ، دو تن از اعضای این کمیسیون از عضویت‌شان انصراف دادند. این کمیسیون از همان آغاز با مخالفت جنبش روشنایی مواجه شد و به‌دلیل عمق و حساسیت و قربانیانی که این حادثه بر جای گذاشت، از سوی کارشناسان و برخی نهادهای حقوق بشری دیگر هم مورد تردید قرار گرفت. در مورد تشکیل کمیسیون، حکومت بار دیگر به خواست خانواده‌های شهدا و جنبش روشنایی وقعی نگذاشت.

سوم: کم نیستند مسایلی که حکومت با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند و با گذشت هر روز، بروز مسایل دیگر هم محتمل است. عقلانیت و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و دردناک کشور ایجاب می‌کند تا سران حکومت تدبیر بیشتری به خرج دهند و با مسایل کنونی از جمله مطالبات جنبش روشنایی که چیزی نیست جز تأکید بر حق اولیه و شهروندی با مسئولیت برخورد کند. در امر رهبری کشور سلیقه‌های فردی منتفی است. باید چشم باز کرد و به پیرامون مسئولانه نگرست: این‌که مردم چه می‌گویند، چه می‌خواهند و حکومت بایستی چه‌کار کند. آیا حکومت به خواست جنبش اعتنا خواهد کرد یا آن را بی‌جواب می‌گذارد؟

## شورای عالی مردمی: حکومت فرصت دارد

## تا چهل‌م شهدای جنبش روشنایی در تصمیم‌ش

### تجدید نظر کند

اطلاعیه آمده: «جنبش روشنایی عمل ددمنشانه‌ی تروریستی در روز دوم اسد را به مثابه‌ی حمله بر دموکراسی، آزادی و حقوق شهروندی، به شدت محکوم نموده و حکومت وحدت ملی را در وقوع این فاجعه‌ی هولناک شدیداً مقصر می‌داند.»

**سازمان ملل با ایجاد یک کمیسیون حمله‌ی تروریستی دوم اسد را بررسی کند**

جنبش روشنایی همچنان از سازمان ملل خواسته است که برای تفتیش و ارزیابی عوامل دخیل در رویداد دوم اسد دهم‌زنگ، یک کمیسیون حقیقت‌یاب بین‌المللی را ایجاد و تمام جوانب حادثه را به‌طور شفاف و عادلانه بررسی کند.

این جنبش کمیسیون حقیقت‌یابی را که در حال حاضر از سوی حکومت وحدت ملی ایجاد شده یک کمیسیون «حکومتی» خوانده که از نظر آن‌ها «هیچ‌گونه» مشروعیت و اعتبار ندارد.

فرید حمیدی، دادستان کل کشور که ریاست هیأت حقیقت‌یاب بررسی حادثه دهم‌زنگ را به عهد دارد در مراسم فاتحه‌خوانی شهدای جنبش روشنایی در مصلی شهید مزاری نیز حضور داشت. آقای حمیدی قبلاً وعده داد که کمیسیون ایجاد شده از سوی حکومت این رویداد را به‌صورت شفاف و عادلانه بررسی و نتایج آن را با مردم شریک خواهد کرد.

جنبش روشنایی به تاریخ ۱۲ ثور امسال پس از آن شکل گرفت که کابینه‌ی حکومت وحدت ملی یک روز پیش از آن فیصله کرد تا برخلاف ماسترپلان برق افغانستان که از سوی شرکت آلمانی فیشر ترتیب شده است، برق وارداتی ترکمنستان از مسیر بامیان-میدان وردک نه بلکه از مسیر سالنگ بگذرد. جنبش روشنایی مدعی است که این فیصله ناعادلانه و ظالمانه است و براساس قانون اساسی کشور حکومت باید انکشاف متوازن را در نظر داشته باشد.

جنبش روشنایی تاکنون تظاهرات متعددی را در داخل و خارج از کشور برای برآورده شدن مطالباتش به راه انداخته است. در ۲۷ ثور و دوم اسد در کابل تظاهرات بزرگ صدها هزار نفری را به راه‌انداخت که در تظاهرات دوم، دو انفجار در میان انبوه معترضان صورت گرفت و باعث کشته و زخمی شدن بیش از ۴۰۰ نفر گردید.

حکومت اما در برابر این خواسته یک طرح بدیلی را ارائه کرده که از مسیر دوشی-بامیان یک لین برق ۲۲۰ کیلوولت را به بامیان انتقال بدهد.

### یوسف نورستانی: فقط به امر رییس جمهور

### از سمت جدید کنار می‌روم

من اعتراض و انتقاد می‌داشت من با جین باز آن را می‌پذیرفتم، برایم جای افتخار است که دستم به خون مردم سرخ نیست به چپاول، به تجاوز به ناموس مردم آلوده نیست و این جای افتخار برای من است. ما استخوان‌های هیچ مردمی را در کارنامه‌ی خود نداریم که یا خودم و یا قوم بشرمد.»

او همچنان گفته پس از این‌که از کمیسیون مستقل انتخابات کناره‌گیری کرد هیچگاهی با حکومت و شخص رییس جمهور درباره‌ی این‌که سمتی را به او بدهد، صحبت نکرده است.

از سوی هم نورستانی عدم مدیریت انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴ و تقلب گسترده در آن را اتهاماتی خوانده که از جانب برخی افراد مغرض علیه او مطرح شده است.

پنج ماه پیش که نورستانی از ریاست کمیسیون مستقل انتخابات استعفا کرد، گفت که به خواست خودش استعفا کرده و در پشت استعفایش هیچ معامله یا دسیسه‌یی در کار نیست و از سوی هیچ کسی نیز زیر فشار گرفته نشده است.

آن زمان شماری از رسانه‌ها گزارش دادند که آقای نورستانی به‌دلیل فشارهای وارده از سوی افراد مشخص و وعده‌ی سفارت در اسپانیا از سوی حکومت از سمتش استعفا کرده است، اما او این گفته‌ها را شایعه دانسته و رد کرده بود.

## وزارت دفاع: ۷۱ جنگجوی داعش

### و طالب در عملیات نظامی کشته

### شدند

اطلاعات روز: وزارت دفاع اعلام کرده است که در نتیجه‌ی عملیات زمینی و هوایی نیروهای امنیتی در ۲۴ ساعت روز پنج‌شنبه در نقاط مختلف کشور، ۷۱ جنگجوی گروه‌های تروریستی داعش و طالب کشته شده‌اند.

در خبرنامه‌ی وزارت دفاع که روز جمعه به نشر رسیده، آمده است که در عملیات مشترک تهاجمی و تعرضی نیروهای امنیتی در ولسوالی‌های ولایات ننگرهار، لغمان، پروان، پکتیا، پکتیکا، غزنی، میدان وردک، قندهار، فراه، جوزجان، فندوز، بدخشان و هلمند ۵۷ تروریست به‌شمول ۳۶ داعش و یک فرمانده طالبان کشته، ۱۴ تن زخمی و ۶ تن دیگرشان بازداشت شده‌اند.

عملیات علیه داعش در ولسوالی‌های اچین، کوت و ده‌بالای ولایت ننگرهار صورت گرفته است.

در عملیات‌های جداگانه‌ی دیگر در ولایت‌های پروان، غزنی، میدان وردک، هلمند، فراه ۱۶ هراس‌افکن طالب کشته و چندین تن دیگر زخمی شده‌اند.

بر اساس این خبرنامه، شفیع‌الله مشهور به فهم آغا از فرماندهان مشهور گروه طالبان در ولسوالی بالابلوک ولایت فراه کشته شده‌است.

وزارت دفاع می‌گوید که در جریان این عملیات‌ها دو تن از سربازان ارتش نیز کشته شده‌اند.

### بانک انکشاف آسیایی ۲۶ میلیون

### دالر برای «پروژه‌ی مدیریت دارایی

### سرک‌ها» به افغانستان کمک می‌کند

**اطلاعات روز:** وزارت فواید عامه می‌گوید بانک انکشاف آسیایی ۲۶ میلیون دالر را برای «پروژه‌ی مدیریت دارایی سرک‌ها» در اختیار حکومت افغانستان قرار می‌دهد.

محمود بلخ، وزیر فواید عامه در صفحه‌ی فیسبوکش با نشر این خبر گفته است که این برنامه شامل دو بخش؛ «حفظ و مراقبت و ترمیم سرک‌ها» و «ایجاد سیستم مدیریت دارایی سرک‌ها»، است می‌باشد که در مرحله‌ی اول شروع این طرح، بانک انکشاف آسیایی حدود ۲۶ میلیون دالر را برای دو بخش فوق در اختیار حکومت افغانستان قرار خواهد داد.

قرار است از آغاز سال آینده‌ی میلادی، ۲۰۱۷، این کمک در اختیار حکومت افغانستان قرار گیرد.

هدف از این کمک ترمیم سرک‌های شاهراه کابل-جلال‌آباد و شاهراه کابل-قندهار-هرات، ایجاد سیستم حفظ و مراقبت، و سیستم مدیریت دارایی سرک‌ها در مرکز وزارت فواید عامه می‌باشد.

آقای بلخ نوشته است که مطابق این بخش، تمام سرک‌های اعمارشده‌ی کشور سروی دقیق و اساسی شده و یک دیتابیس از آخرین وضعیت سرک‌ها تهیه می‌شود که براساس آن پلان‌های ترمیماتی سرک‌ها تهیه خواهد شد.

وزیر فواید عامه نوشته است که در اولین اقدام از این برنامه، پروژه‌ی آزمایشی ترمیم شاهراه کابل-جلال‌آباد (از کابل الی سروبی) قبلاً سروی و به اعلان سپرده شده و به زودی ترمیم اساسی این مسیر آغاز می‌شود.

این برنامه درحالی روی دست گرفته می‌شود که در طول ۱۵ سال گذشته سرمایه‌گذاری هنگفتی در بخش سرک‌های کشور شده است. اما عدم توجه به حفظ و مراقبت سرک‌ها، عدم بهره‌برداری درست و تخریبات ناشی از جنگ‌ها و حوادث طبیعی سبب شده است تا بخش‌های زیادی از سرک‌ها و شاهراه‌های مواصلاتی کشور تخریب شود.

### انفجار در کوته سنگی کابل جان

### رییس منابع بشری پارلمان را گرفت

**اطلاعات روز:** حوالی ساعت ۶:۳۰ شام دیروز انفجاری در کوته سنگی کابل رخ داد که براساس برخی گزارش‌ها، خلیل‌الله اوریبا، رییس منابع بشری پارلمان در این انفجار کشته شده‌است.

صدیق صدیقی، سخن‌گوی وزارت داخله اما می‌گوید که در این انفجار یک نفر کشته و دو فرد ملکی زخمی شده‌اند. به گفته‌ی صدیقی، انفجار ناشی از یک ماین مقناطیسی کارگزاری شده در یک موتر نوع کرولا بوده است.

آقای صدیقی در مورد هویت فرد کشته شده چیزی نگفته است. اما طلوع نیوز به نقل از یک منبع امنیتی گزارش داده است که در این رویداد آقای اوریبا، رییس منابع بشری پارلمان کشور کشته شده است.

فریدون عبیدی، رییس تحقیقات جرایم جنایی فرماندهی پولیس کابل گفته است که تیم تحقیقاتی پولیس به ساحه رفته و بررسی‌های ابتدایی نشان می‌دهد که دو تن در این انفجار زخمی شده‌اند.

انفجار شام روز جمعه‌ی کابل پس از آن رخ می‌دهد که به روز شنبه کابل شاهد مرگبارترین حمله بر غیرنظامیان پس از سال ۲۰۰۹ در سطح کشور بود. در این رویداد دو حمله‌کننده‌ی انتحاری تظاهرات‌کنندگان جنبش روشنایی را هدف قرار داد که در آن بیش از ۸۰ نفر شهید و بیش از ۳۰۰ نفر دیگر زخمی شدند.

## خبرنگار ناراضی

هادی دریابی

### برشنا چه قدر مقصر است؟

یک هفته از فاجعه‌یی که در میدان شهدای روشنایی اتفاق افتاد و ده‌ها انسان روی جاده زیر پای لجاجت حکومت له شدند و صدها نفر دیگر زخمی، می‌گذرد. دست‌های زیادی در مسیر نامطلوب تبعیض و لجاجت کار کرد تا دادخواهی مردم با انفجار و شلیک گلوله‌ها مواجه شود. یکی از این دست‌ها، دست ستم‌گر شرکت برشنا است.

نمی‌توان گفت بمب را شرکت برشنا به محل فرستاده، اما این شرکت دولتی در آن فاجعه سهیم است. چرا؟ ذیلاً کوتاه اشاره می‌کنم.

شرکت برشنا مسیر اصلی ماستریلان برق افغانستان را تغییر داد. با این استدلال که مسیر بامیان-میدان-کابل اندکی بیشتر از مسیر سالنگ هزینه می‌برد، بر ماستریلان اصلی برق ستم کرد و به حق برحق مردم بامیان و میدان وردک تبعیض روا داشت. حکومت وحدت ملی بدون در نظر داشت مقاصد سیاسی غرض‌آلود نهفته در تغییر مسیر اصلی ماستریلان برق، به آن تمکین کرد و آن را به تصویب رساند. هرچند که از همان ابتدا اعتراض علیه این تصمیم از سوی مردم شروع شد، اما شرکت برشنا با لجاجت و ارایه‌ی آمار و ارقامی که منافع ملی در آن متصور نبود و صرفاً منافع آنی در آن گنجانده شده بود، حکومت و تمام جریان‌های حکومتی را متقاعد به لجاجت در برابر خواست‌ها و مطالبات برحق مردم کرد.

صدها هزار انسان با آگاهی کامل و با نیت مبارزه علیه تبعیض سیستماتیک، در بیست‌وهفتم ثور به جاده آمدند و صدای خویش را بلند کردند. حکومت صدای آن‌ها را نشنید. شرکت برشنا و همکاران حکومتی‌اش، شروع به شیوع تفرقه میان مردم افغانستان کردند و هر آن بیم تقابل قومی و سمتی در افغانستان می‌رفت. دستگاه حکومت، از هیچ تلاشی برای خفه کردن صدای مردم دریغ نکرد و از هیچ فشاری برای له کردن جنبش روشنایی در جاده ابا نورزید. اما مردم در محور جنبش روشنایی، همچنان از حکومت خواهان حق و عدالت شدند و خواستند که از اعمال تبعیض بر شهروندان افغانستان و ناقص کردن ماستریلان برق دست بکشند. ما دیدیم، شما دیدید که حکومت و مخصوصاً شرکت برشنا چه‌گونه علیه این مطالبه و صدا ایستادند.

شرکت برشنا به عنوان یک نهاد اجرایی، پا را فراتر از فلسفه‌ی وجودی خویش گذاشت، مسیر را با نیات و اهداف سیاسی مغرضانه از بامیان-میدان-کابل به پروان-کابل تغییر داد. این شرکت شاید هرگز تصور نمی‌کرد که مردم به این کار ضد ملی این شرکت معترض شوند و به جاده بیایند. شرکت برشنا به عنوان یک آدرس مسئول، به جای پرداختن درست به مسأله و تمکین در برابر ماستریلان اصلی و خواست شهروندان، با تمام توان علیه ماستریلان و مردم ایستادند. شرکت برشنا از این حیث که آغاز کننده‌ی ستم و لجاجت در حکومت است، مقصر است. چرا باید شرکتی که مسئول تطبیق و تعقیب ماستریلان برق افغانستان است، آن را مطابق میل فردی و گروهی خویش تغییر دهد؟

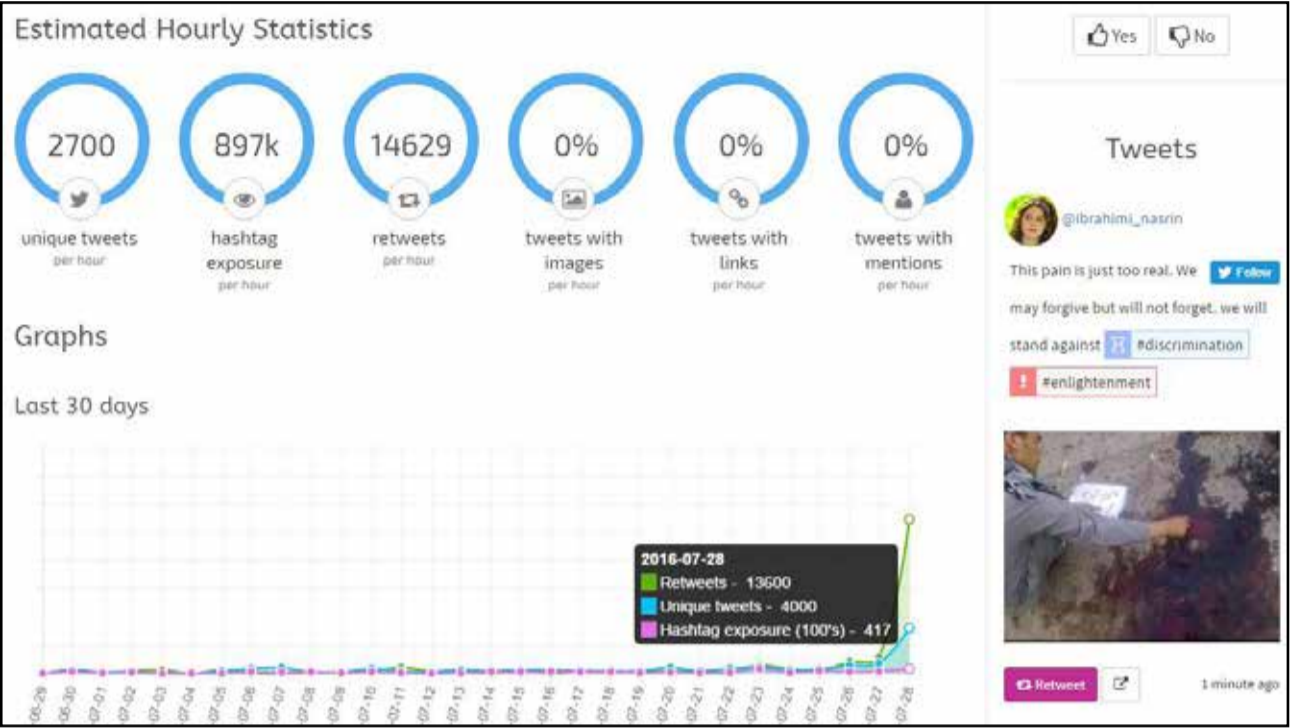
اکنون بعد از یک هفته، آیا متولیان امور در شرکت برشنا می‌توانند از نقش خویش در رویداد خونین دوم اسد در میدان شهدای جنبش روشنایی چشم‌پوشی کنند؟ بلی، از آن‌ها که پا روی منافع ملی می‌گذارند، هیچ جنایتی بعید نیست. اما خوش به حال این شرکت و متولیان متعصب امور در این شرکت که از شر تحقیقات بی‌طرف و بررسی همه‌جانبه در امان‌اند. شاید اگر این مسأله از آغاز تا اکنون به‌صورت درست بررسی شود و همه‌ی دست‌ها در خلق فاجعه آشکار شود، شرکت برشنا به‌عنوان متهم درجه‌یک مورد مواخذه قرار گیرد. حالا که حکومت به‌عنوان متهم، کمیسیون ساخته تا در مورد تهمتی که بر خود آن‌ها وارد است تحقیقات کند، زیاد امید نمی‌رود که شرکت برشنا حتا در فهرست مواردی که باید به آن‌ها پرداخته شود، جایی داشته باشد.

نتیجه‌ی کار هیأت حقیقت‌یاب را می‌توان از حالا حدس زد، همان‌طوری که خیال منحرف‌کننده‌گان مسیر اصلی و بانیان این جنجال و آن رویداد خونین راحت است، حقیقت هرچه باشد، به نفع حکومت و شرکت برشنا خواهد بود. اما مردم به یاد خواهند داشت که شرکت برشنا چه‌گونه بر حق آن‌ها پا گذاشت و چه‌گونه حکومت را به لجاجت واداشت تا این که کار به انفجار در دهم‌زنگ بیانجامد. آگاهی هرچه بیشتر شود، تقصیر شرکت برشنا سنگین‌تر خواهد شد. شرکت برشنا توانست مسیر را تغییر دهد، توانست حکومت را متقاعد به ایستادگی علیه شهروندان کند، ممکن بتواند از حالا تا همیشه برق غرب کابل را قطع کند، اما هرگز نخواهد توانست از شیوع آگاهی و خرد در جامعه جلوگیری کند. شیوع آگاهی و خرد در جامعه مایه‌ی امید است، همان‌گونه که اکنون علیه استبداد مستمر قذعلم کرده، روزی از شرکت برشنا هم خواهد پرسید که چرا زمینه برای انفجار در میان هزاران نفر را فراهم کردی؟ چرا مسیر ماستریلان اصلی را تغییر دادی و چرا بر خیانتی که انجام داده بودی، ایستادگی و پافشاری کردی؟ چرا به عدالت و منافع ملی تن ندادی تا امروز هیچ یکی شرمنده‌ی آن هشتاد و یک نفری که شهید شد، نباشیم.



امید حق‌بین

# دیروز در تویتر ترند جهانی شدیم



ترند شدن جهانی بود) برسیم، اما هم‌زمان تلاش‌مان را کردیم تا صدایی باشیم برای آن ۸۶ نفری که دیگر در بین ما نیستند. تمرین کردیم تا دیگر نگذاریم آدم‌های بی‌لیاقت ۸۶ نفر دیگر ما را از ما بگیرند.

ما دیروز تمرین کردیم تا صدای صلح و مدنیت باشیم. شما هنوز هم قدرت شنوایی ندارید. قبول داریم چون شما از همان ابتدا قدرت شنیدن سخن مخالف را نداشتید.

بله! آقای غنی و آقای عبدالله! آیا می‌دانید واقعیت دیگر چیست؟ ما اگر می‌دانستیم چطور (با بیش از ۴۰۰ هزار توییت و ریتوییت) ترند جهانی شویم، قبل از آن حتماً یاد می‌داشتیم که چطور باید در انتخابات شرکت کنیم و شما را انتخاب نکنیم.

درست است که ما نتوانستیم با بیش از ۴۰۰ هزار توییت و ریتوییت (در یک روز) ترند جهانی شویم. اما اگر توان خواندن آمار و ارقام دیگر را دارید، اجازه دهید برای‌تان تشریح کنم. ما دیروز در حدود:

۴۰۰۰ توییت در ساعت نوشتیم. بیشتر از ۱۴۵۰۰ بار در ساعت ریتوییت شدیم. ۸۹۷ هزار نفر در ساعت توییت‌های ما را دیدند و خواندند.

ما دیروز بازم تمرین دموکراسی و مدنیت داشتیم. ما دیروز بازم نشان دادیم که به جای تفنگ و بمب و انتحار و انفجار، از دانش و تخصص‌مان استفاده می‌کنیم تا به صلح برسیم. به جای زورگویی از کلمات کار گرفتیم. گرچه نتوانستیم به خواسته‌ی خود (که

بله! جناب آقای رییس‌جمهور (مثلاً) منتخب و جناب رییس اجراییه. معاونان اول و دوم هر دو جناب. و صد البته دیگرانی که «عضوی» به نام گوش دارید اما قدرتی به نام «شنوایی» نه! درست متوجه شدید. هزاران نفر ما از دو روز پیش به این سو خواب به چشم‌مان نیامد. کوشش کردیم. فعالیت نمودیم. اما نتوانستیم. بله. نتوانستیم که داغ‌ترین خبر تویتر در جهان شویم. و به این واقعیت اعتراف می‌کنیم چون ما و نسل ما مانند شما نیستیم که واقعیت را تحریف کنیم و به ریش دیگران بخندیم. ما پیروزی را دوست داریم اما هم‌زمان شکست را هم می‌پذیریم و از آن درس می‌گیریم. اما خوش نشوید!

## رخ دیگری از فعالیت مدنی جنبش روشنایی

ستار ثابت

خوب درک کرده است که روی آوردن به اقدامات وحشت‌آفرین و ضدمدنی، در عصر حاضر جایگاه و منطقی ندارد. جنبش روشنایی درک کرده است که دیگر انتحار و انفجار و اقدامات وحشت‌آفرین نظیر آن‌ها، کار انسان‌های قرن بیستویک نمی‌تواند بود. همچنان که اجرای این اقدامات وحشیانه کار انسان امروزی نیست، دفاع و تمل در مبارزه با آن اقدامات نیز با عقلانیت و مدنیت سر سازگاری ندارد. لذا، روی آوردن به توفان تویتر، از یک جانب بیان‌گر این امر بود که جهت پیشبرد مبارزات مدنی باید از امکان‌ها و ابزار مدنی استفاده کرد و از جانب دیگر، برای دموکراسی‌ستیزان و تبعیض‌پیشگان حاوی این پیام نیز بود که شما اگر در داخل کشور با خاطر آسوده و به‌شکل سیستماتیک دست به اعمال تبعیض‌آمیز و تفرقه‌افگانه می‌زنید، ما می‌توانیم این اعمال‌تان را با توسل به مدنیت و تکنولوژی، جهانی کرده و افشا سازیم. باری، این توفان نیز در ادامه‌ی دیگر حرکات مدنی جنبش روشنایی، از حرکات‌های ماندگار و فراموش‌نشده‌ی این جنبش خواهد بود و نویددهنده‌ی این امید و روشنایی که دیگر عصر تبعیض و ستم و بدویت گذشته است و مبارزه‌ی مدنی، یعنی روی آوردن به استفاده از امکانات و وسایل مدنی و تکنولوژیک عصر به‌خاطر رسیدن به هدف عدالت‌خواهانه تنها رویکرد درست و منطقی در برابر تبعیض و تعصب است. شاید در داخل کشور، به‌ویژه برای آن‌هایی که به‌عوض تمکین در برابر خواست‌ها و مطالبات مدنی شهروندان، دست به تحقیر و نادیده گرفتن آن‌ها می‌زنند، این مسأله زیاد قابل درک نباشد، اما جهان که افغانستان نیست و جهانیان خوب می‌دانند که چگونه باید وحشت و مدنیت را از هم تفکیک کنند.

برد. توفان تویتر برای بار اول توسط یکی از اعضای جنبش پیشنهاد شد و به‌سرعت مورد پذیرش همگانی قرار گرفت. حرف این حرکت توفانی این بود که صدای اعتراض مدنی و عدالت‌خواهانه‌ی جنبش روشنایی، باید در سطح جهان منتشر شود و این کارکرد از عهده‌ی صفحه‌ی اجتماعی تویتر برآمده بود. آن کارکرد این‌گونه است که اگر در مورد موضوع و مسأله‌ی خاصی، در یک روز بیشترین توییت صورت بگیرد، آن موضوع تبدیل به «موضوع داغ در جهان» می‌شود.

روز گذشته چنین کاری در افغانستان و خارج از افغانستان توسط اعضا و هوداران جنبش روشنایی صورت گرفت. هرچند که به‌دلیل جانبداری استفاده از تویتر در افغانستان، تا نیمه‌های روز جمعه بسیاری از کاربران با مشکلاتی مواجه بودند و در رساندن صدای‌شان با چالش‌های چندی روبه‌رو شدند، مثلاً در پای هر توییت، گذاشتن «هشتک» واحدی نیاز بود تا بر مبنای آن هشتک، مطالب مختلف و گوناگون کاربران را جهانیان با هم ربط بدهند که در آغاز بسیاری از اعضا و هوداران گذاشتن این هشتک را فراموش کرده‌اند. اما با این‌همه، این برای نخستین‌بار در تاریخ استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی در افغانستان بود که با چنین کمیت عظیمی، کاربران از یک موضوع سخن گفتند و آمار بلندی را به ثبت رساندند. در این توفان، ۴۰۰۰ توییت در ساعت نوشته شد، بیشتر از ۱۴۵۰۰ بار در ساعت ریتوییت شد و ۸۹۷ هزار نفر در ساعت توییت‌ها را دیدند و خواندند. این میزان استفاده از یک شبکه‌ی مجازی همگانی در کشور، بی‌سابقه است.

به‌هر ترتیب، حرف این است که جنبش روشنایی با هر اقدامش ثابت می‌کند که یکی از مدنی‌ترین جنبش‌های اعتراضی در شرایط کنونی است. این جنبش خیلی

جنبش روشنایی، بدون تردید و اغراق، یکی از ماندگارترین جنبش‌های مدنی در تاریخ مبارزات نه‌فقط افغانستان، بل در کشورهای منطقه به‌شمار تواند رفت. سنت مبارزات مدنی، سال‌های زیادی است که در کشورهای مختلف جهان پدید آمده است. هرچند که هیچ تشکل اجتماعی را نمی‌توان چنان عجولانه و به‌سرعت مورد قضاوت و داوری قرار داد که هنوز در آغاز راه قرار داشته است، اما نگاهی اجمالی به دور و اطراف‌مان بیانگر این است که تقریباً هیچ تشکل مدنی و مردمی‌یی تاکنون همچون جنبش روشنایی فراگیر، مسئولانه و همه‌جانبه عمل نکرده است. یادآوری این نکته لازم است که جنبش‌های انقلابی سال‌های اخیر در کشورهای عربی را نباید با جنبش‌هایی چون جنبش روشنایی اشتباه گرفت. این‌ها در ماهیت از هم متفاوت‌اند. جنبش‌های اجتماعی کشورهای عربی، محض نمونه، بهار عربی بر مبنای یک خواست و نیت بسیار متفاوت با خواست و نیت بنیادی جنبش روشنایی شکل گرفت. بهار عربی بر سنت انقلابی‌گری و استفاده از نیروی قهرآمیز در پیشبرد نیت و آرمان خود تأکید می‌کرد و هنوز از الگوی انقلاب‌های قرن بیست پیروی می‌کرد. اما جنبش روشنایی، از این رویکرد رادیکال (به‌معنای قهرآمیز) فرسخ‌ها فاصله دارد. هسته‌ی بنیادی آرمان و حرکت جنبش روشنایی، بر محوریت اصلاحات با رویکرد کاملاً مدنی و دموکراتیک پدید آمده و اقدام کرده است. مدنیت در مرکب‌ترین مفهوم آن، بنیاد آرمانی این جنبش را شکل می‌بخشد. یعنی این جنبش با یک روی داشت مدنی و عصری، از تمام ابزار و امکانات مدنی و تکنولوژیک استفاده می‌کند. در آخرین مورد، «توفان تویتر» را به‌عنوان یکی از رخ و روبه‌های مدنیت در این جنبش می‌توان نام

# متهمان مقدس

کلمه عمران راتب



## مسیر عبور لین به شکل ناعادلانه تغییر می‌فورد، در طول بیشتر از دو ماه هیچ تمکینی به فواست شهروندان معترض و مرکات اعتراضی مدنی صورت نمی‌گیرد و در کمال کوتاهی و بی‌دقتی مسئولان مفا امنیت، فاجعه رخ می‌دهد؛ سرانجام قاضی و داور نیز همانی می‌شود که اگر عقلانیت و سیاست ملی و عادلانه را در پیش می‌گرفت، هیچ‌یک از این کارها صورت نمی‌گرفت. اینک، جانبی که در وقوع فاجعه‌ی به‌بزرگی و عمق فاجعه‌ی دوم اسد دهم‌زنگ، فود از اتهام میرا نیست، یعنی عملاً با عدم اعتبار و صدق و مشروعیت مواجه است، تصمیم گرفته است تا حقیقت را در متن این فاجعه دریابد. آیا این فود تعرضی بر عدالت، مقوق شهروندی و دموکراسی در کشور نمی‌تواند بود؟

تظاهرات مدنی را در تاریخ کشور ثبت کرد. همه‌ی این‌ها صورت گرفت تا حکومت را وادار نماید که آن تصویب مخاطره‌آمیز کابینه را لغو نموده و ماستریلان برق کشور را مطابق با تحقیق شرکت معتبر آلمانی (فیشنر) اجرا نماید. این کار نشد و جنبش با همان داعیه، به مبارزاتش ادامه داد تا رسید به روز نخست ماه اسد؛ روزی که تاریخ «تظاهرات نامحدود»، یک هفته قبل از آن از سوی جنبش اعلام شده بود. گارنیزون کابل مسیر ده‌گانه‌ی تظاهرات را به سه یا چهار مسیر تقییل داد و نقطه‌ی نهایی تظاهرات نیز چوک دهم‌زنگ اعلام شد. بهانه‌ی حکومت برای اعمال این حقیقت و اختناق، جلوگیری از حملات احتمالی دشمن و تأمین بهتر امنیت مظاهره‌چیان بود. دوم اسد فرا رسید و دوباره همان جمعیت میلیونی، نه از سه یا چهار مسیر، بلکه با احترام به قانون اساسی کشور و حفظ وجهه مدنی مظاهره، فقط از یک مسیر مظاهره را آغاز نمود. چوک دهم‌زنگ است و جمعیت در حال مسکن‌گزینی به‌خاطر ماندن در چوک تا گرفتن پاسخ قطعی و قناعت‌بخش حکومت. نیروی حافظ امنیت در نزدیکی محل نیست، اندک و پراکنده، در فاصله‌های دور، تعدادی مشاهده می‌شود، در حالت بی‌خبری. وضعیت این‌گونه است. فاجعه به‌وقوع می‌پیوندد و به‌تعداد پنج‌صد نفر معترض، کشته و زخمی می‌شوند. نهایت حد‌گذاری حکومت به‌خاطر حفظ امنیت، به این‌جا خاتمه می‌یابد. دو: جنبش روشنایی پس از رخداد فاجعه و تحمل بار سنگین و عظیمی از ماتم و شهید و زخمی، همچنان بر رفتار مدنی و عدالت‌خواهانه‌ی خود تأکید می‌ورزد و خواهان تشکیل هیاتی می‌شود که در آن به همراه نمایندگان نهادهای معتبر بین‌المللی در زمینه‌ی واکاوی علل و دلایل وقوع فجایع و جرم‌شناسی، از جنبش نیز عضوگیری شود و

برای بررسی این امر، بهتر است این اشاره را در آغاز بیاوریم که حکومت در حال حاضر، یکی از متهمان و یا مسببان دست‌اول رخداد فاجعه‌ی دوم اسد است. برای این که: کابینه‌ی حکومت وحدت ملی در تاریخ یازدهم ثور سال جاری، خاموشانه تصمیم گرفت که مسیر عبور لین برق ترکمنستان را که در واقع یک پروژه‌ی ملی است، بدون ارجاع به آرای مردم، رضایت و نارضایتی آن‌ها و منافع ملی کشور، تغییر بدهد. تنها وصفی که در این تصمیم خارق‌العاده می‌توان دید، این است که در صورت اجرایی شدن آن، شیرازه‌ی منافع بزرگ و بلندمدت کشور از هم می‌پاشد، اتحاد نازک و نوپای میان اقوام کشور از میان می‌رود، چندین میلیون شهروندی که در طول تاریخ افغانستان سهم‌شان از زندگی بیشتر فقر و مسکنت و تاریکی بوده، از اولیه‌ترین حقوق‌شان محروم می‌شوند و در نهایت حکومتی که پسوند «وحدت ملی» را همراه با خود یدک می‌کشد، نمادی می‌شود از دونیت، دشمنی و نفاق‌اندازی میان اقوام کشور. در فردای همگانی شدن این تصمیم، جنبش روشنایی شکل گرفت و برای نخستین بار در تاریخ مبارزات مدنی کشور، بزرگ‌ترین تشکل اجتماعی را بر محور مدنیت، دموکراسی و عدالت‌خواهی گرد هم آورد. منطق مبارزات خود را تئوریزه کرد و در همه‌جا منتشر ساخت. با حکومت وحدت ملی داخل بحث و گفت‌وگو شد. برای جهانیان استدلال کرد و خود را از حقانیت مبارزه‌ی خود، بیش از پیش مطمئن گردانید. به‌سرعت از سراسر کشور به این جنبش اعلام همبستگی و تشریک مساعی شد. همایش‌های بزرگی پی‌هم برگزار شد و سرانجام در تاریخ بیست‌وهفت ثور، یعنی شانزده روز پس از شکل‌گیری، یک میلیون انسان معترض به جاده ریخت و عظیم‌ترین

حکومت وحدت ملی در فردای فاجعه‌ی عظیم دهم‌زنگ، شنبه، دوم اسد، هیأت حقیقت‌یابی را تشکیل داد که در خصوص این فاجعه تحقیق نماید، ابعاد آن را بررسی نموده و در نهایت نتایج تحقیقاتش را تحویل ریاست‌جمهوری کند. در نگاه نخست، به‌نظر می‌رسد که، جز این که این اقدام را مورد تحسین قرار بدهیم، کار دیگری نخواهیم کرد. یعنی انتظار اولیه پس از هر فاجعه‌ی، این است که ابعاد آن فاجعه بررسی گردیده و حقایق پیدا و پنهانش برآفتاب افتد تا در پرتو آن حقایق و از کنار هم گذاشتن پارچه‌های متکثر گمانه‌زنی‌ها و علامت‌ها، یک تصویر کلی و قابل‌پذیرش از وضعیت به‌دست بیاید. می‌توان صورت مشروح این امر را این‌گونه بیان کرد: فاجعه نباید رخ می‌داد، حالا که چنین شده، باید از خود پرسیم که چرا و چگونه چنین شد؟ دقیقاً همین پرسش است که جلوگیری از تکرار و تکثیر فاجعه در آینده را تضمین می‌کند. اما این پرسش به‌صورت پیشینی امر دیگری را پذیرفته‌شده فرض کرده است: صداقت در بنیاد این پرسش را. ما بنا بر خواست و نیت درک چرایی و چگونگی رخداد فاجعه، به سراغ این پرسش می‌رویم و لذا برای این که به یک نتیجه‌ی روشن و صادقی برسیم، قبل از قبل خود پرسش و مبنای آن را صادق فرض کرده‌ایم. صورت منطقی این امر چنین است: مقدمه صادق و درست است، روش کار نیز معتبر است و لذا باید به یک نتیجه و غایت معتبر و صادق نیز دست پیدا کنیم. برداشت متعارف ما از تشکیل شدن کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در سراسر جهان، این است. وگرنه پروسه از همان آغاز، قبل از این که صدق و کذب نتیجه‌ی آن معلوم شود، لغو و منحل می‌شود. زیرا مقدمه‌ی نادرست و یا کاذب، حتا با روش طی مراحل معتبر، به نتیجه‌ی صادق و درستی نمی‌انجامد. زیرا اعتبار روش فقط در این است که بدون هیچ دخل و تصرفی، از قاعده و منطق مقدمه پیروی کند و پیروی درست از یک مقدمه‌ی نادرست، این است که نادرستی آن مقدمه را گسترش و افزایش بدهد تا به یک نتیجه‌ی نادرست منتهی گردد. لذا، نتیجه‌ی درست و نهایت پذیرفتنی یک امر و یا یک پروسه، وابسته به دو مسأله است: حقانیت و صدق مقدمه و یا شروع کار و اعتبار روش پیش‌برد پروسه.

اینک، حکومت وحدت ملی نیز گویا به‌خاطر دریافت حقیقت از دل فاجعه‌ی دوم اسد، دست به ساختن کمیسیون و یا هیأت حقیقت‌یاب زده است. خوب است طبق معمول، مشاهده شود که این کمیسیون حکومتی در چه درجه‌ی از صدق و کذب و یا اعتبار برخوردار است.

شخصیت‌های ملی، متنفذ و بی‌طرف کشور نیز شرکت کنند. هیأت تشکیل‌یافته از سوی حکومت اما، متشکل است از افراد حکومتی و اشخاصی که همراه به‌نحوی، در برابر خواست‌ها و مطالبات مدنی شهروندان قرار گرفته‌اند، بدون حتا یک نفر عضو از اعضای جنبش روشنایی و خانواده‌های شهدا و زخمیان و یا نهادهای بین‌المللی و اشخاص بی‌طرف ملی. در همین حالت نیز دو تن از اعضای هیأت، هیأت را ترک کرده و مشروعیت آن را رسماً با پرسش مواجه می‌کنند (میزان صدق و مشروعیت هیأت). هیأت، در حالی که نیم ساعت بعد از وقوع فاجعه تمام آثار و شواهد عینی فاجعه از محل توسط حکومت محو شده است، بررسی اولیه‌اش را انجام می‌دهد و شیوه‌ی تحقیقش را با رسانه‌ها شریک می‌سازد. اما در پس‌فردای این بررسی، جسد دو تن از قربانیان مفقود، توسط بازماندگان حادثه از جویی در محل حادثه پیدا می‌شوند و هیأت مدعی حقیقت‌یابی، حتا آن دو جسد را در بررسی‌هایش ندیده است و در پهلوی این، یک پسر سیزده‌ساله هنوز مفقود است (نمونه‌ی از چگونگی اعتبار و صدق شیوه‌ی کار هیأت). با چنین آغاز و روشی، چگونه می‌توان به نتیجه‌ی آن دل بست و اعتماد کرد؟

سه: طوری که گفته آمد، حکومت برای حفظ امنیت و مصنوعیت جان مظاهره‌چیان، کم‌ترین تدابیر را روی دست گرفته بود. در میان تظاهرات و اعتراضات متعددی که تاکنون در کشور صورت گرفته است، این کوتاهی حکومت بی‌سابقه بود. منطق مسئولیت حکومتی ایجاب می‌کند که حکومت نه در مقام ستیز و تعارض با شهروندان، بل در موقعیت پاسخ‌گویی به مطالبات آن‌ها و قبول مسئولیت تأمین امنیت و محافظت از جان و زندگی آن‌ها باشد. اگر تمام گمانه‌زنی‌ها و نشانه‌های دیگر را هم بگذاریم کنار، برای اثبات کوتاهی و عدم انجام مسئولیت حکومت، همین یک مورد کافی است.

حالا، هیأت حقیقت‌یاب -بگذریم از این که از آغاز تشکیل حکومت وحدت ملی تا امروز ما تجربه‌ی تشکیل و به نتیجه نرسیدن کمیسیون‌ها و هیأت‌های متعددی را از سر گذرانده‌ایم- در چنین یک وضعیتی شکل یافته است؛ ناقص، فاقد تضمین نتیجه‌ی بی‌طرف نهایی و لذا نامعتبر. حکومت که همین اکنون به‌دلیل عدم تأمین امنیت و کوتاهی در انجام مسئولیت، در نزد اعضای جنبش روشنایی و بسیاری دیگر از شهروندان مسئول وقوع فاجعه‌ی دوم اسد است، در مقام کاشف حقیقت‌های پنهان آن قرار گرفته است. در قلمرو باورمندی به حقیقت، عدالت و دموکراسی، این عمل حکومت چیزی بیشتر از یک سناریوی مضحک نمی‌تواند بود. دنیا با فاجعه و تباهی ناآشنا نیست. برای همین است که مفهومی به‌نام «عدالت انتقالی» و محاکم جزایی بین‌المللی متعددی پدید آمدند. اما این نخستین بار است که متهم، مسئول رسیدگی به اتهام خود و واکاوی جرمی می‌شود که قصور خودش در وقوع آن همچون آفتاب مبرز و روشن است.

مسیر عبور لین به‌شکل ناعادلانه تغییر می‌خورد، در طول بیشتر از دو ماه هیچ تمکینی به خواست شهروندان معترض و حرکات اعتراضی مدنی صورت نمی‌گیرد و در کمال کوتاهی و بی‌دقتی مسئولان حفظ امنیت، فاجعه رخ می‌دهد؛ سرانجام قاضی و داور نیز همانی می‌شود که اگر عقلانیت و سیاست ملی و عادلانه را در پیش می‌گرفت، هیچ‌یک از این کارها صورت نمی‌گرفت. اینک، جانبی که در وقوع فاجعه‌ی به‌بزرگی و عمق فاجعه‌ی دوم اسد دهم‌زنگ، خود از اتهام میرا نیست، یعنی عملاً با عدم اعتبار و صدق و مشروعیت مواجه است، تصمیم گرفته است تا حقیقت را در متن این فاجعه دریابد. آیا این خود تعرضی بر عدالت، حقوق شهروندی و دموکراسی در کشور نمی‌تواند بود؟ با چه منطقی باید به صداقت کار حکومت و هیأت حقیقت‌یاب باورمند شد؟ شاید فقط با یک رویکرد: این که متهمان را همیشه مقدس و منزه بپنداریم. در آن صورت، تاریخ جرم‌شناسی هم باید یک چیز بچ و بی‌هوده باشد. زیرا اتهام، مبنای جرم است و تقدس متهم، لاجرم قدسیت مجرم را نیز تضمین می‌کند. این‌گونه است که ما به یک تاریخ یک‌سویه دست پیدا می‌کنیم؛ متهم پاک است و کاملاً مختار است دریابد که قربانی چگونه به قربانگاه آمد و به خودش را به کشتن داد تا در صورت اثبات جرمش، دوباره همین متهمان مقدس، حکمی در مورد مجازاتش صادر نمایند. این همان جاده‌ی یک‌طرفه‌ی جرم و جنایت است که هرچه پیش آید، بریزد بر سر قربانی.

# نیروهای افغان، ناکام در عقب زدن طالبان

ترجمه: حمید مهدوی

نیویارک تایمز و/نجیم رحیم و مجیب مشعل

در هلمند، مقامها گفتند که حکومت در امر بازپس گیری مناطقی که سال گذشته از دست رفته اند ناتوان بوده است، هر چند حملات هوایی تاکنون جلو پیشرفت های بیشتر طالبان را گرفته است. ولسوالی باباجی در حومه ی مرکز ولایت و بسیاری از ولسوالی های شمالی این ولایت تحت کنترل طالبان اند یا طالبان برای تصرف آن ها ستیزه دارند. جنرال چارلس کلیولند، سخنگوی نیروهای ایالات متحده در افغانستان، گفت: «تا ماه می، ارزیابی ما این بود که تقریباً نه ولسوالی تحت کنترل شورشیان است و شورشیان در حدود ۲۷ ولسوالی تا حدودی نفوذ دارند». صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله ی افغانستان گفت که نیروهای حکومتی بر نه ولسوالی کنترل ندارند و در ۴۰ تا ۴۵ ولسوالی دیگر با تهدید مواجه اند که آن ها برای عقب زدن دشمن کار می کنند. مقامها در صحبت های خصوصی شان نگران اند که تهدید طالبان حداقل در سطح سال گذشته باقی مانده است.



شکست جلوگیری می کردیم، حالا می توانیم به آن ها کمک کنیم که ابتکار عمل داشته باشند و آن را حفظ کنند». با این حال، یک مقام غربی در کابل گفت که کاهش محدودیت های حملات هوایی نتیجه ی این درک است که از دست رفتن مناطق بیشتر، به ویژه شهرها و مراکز ولسوالی ها، کشور را در حالی که بی ثبات خواهد ساخت که حکومت شکننده ی افغانستان به سختی تنش های سیاسی و جناحی را مدیریت می کند. این مقام که خواست نامش فاش شود، گفت که حملات شدیدتر هوایی در تلاش به دستیابی به نوعی از بن بست با طالبان که می تواند سرانجام به تمایل آن ها به گفت و گو بیانجامد، حیاتی بود. اما در قندوز در حال حاضر، مقامها وضعی را توضیح می دهند که در آن مراکز ولسوالی ها تحت کنترل حکومت است، اما طالبان به زودی می آیند. باشندگان گل تپه، یکی از مناطقی که آقای غنیر ماه نوامبر آن را یک ولسوالی جدید اعلان کرد، گفتند که جاده ی اصلی که گل تپه را به شهر قندوز وصل می کند با ماین گذاری های طالبان مسدود شده است. مسافرت به شهر که زمانی پانزده دقیقه زمان می برد، حالا که مسیر تغییر کرده است یک ساعت زمان می برد. مسدود بودن جاده ها همچنین بر محصولات زراعتی اصلی این منطقه، خربزه و تربوز، نیز اثر گذاشته است. ذبیح الله، دکاندار در این ولسوالی، گفت: «در گل تپه، طالبان حضور گسترده دارند - آن ها با ما خوب رفتار می کنند، اما همه ی خانواده ها را مجبور می کنند که در هر روز به آن ها غذا بدهند و به مردم گفته اند که سگرت و حبشش نکشند و به موسیقی گوش ندهند.» «از وقتی که حکومت گفت این جا یک ولسوالی جدید خواهد بود، شاهد عملیات حکومت نبوده ایم که بیاید و [درمان] درد ما کمک کند».

در حدود ۲۷ ولسوالی تا حدودی نفوذ دارند». صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله ی افغانستان گفت که نیروهای حکومتی بر نه ولسوالی کنترل ندارند و در ۴۰ تا ۴۵ ولسوالی دیگر با تهدید مواجه اند که آن ها برای عقب زدن دشمن کار می کنند. مقامها در صحبت های خصوصی شان نگران اند که تهدید طالبان حداقل در سطح سال گذشته باقی مانده است. طالبان در بهار سال جاری بار دیگر بر مناطق اطراف شهر قندوز یورش بردند. در حالی که مقامها گفتند تغییرات در زنجیره ی فرماندهی و تقویت نظم در دفع این یورش کمک کرده است، آن ها به سرعت اظهار کردند که حملات هوایی امریکایی ها حیاتی ترین عامل [دفع تهاجم طالبان] بوده است. صرف چند هفته قبل از کند ساختن روند خروج سربازان باقی مانده ی امریکایی در افغانستان، رئیس جمهور اوباما به فرماندهان مستقر در این جا اختیارات بیشتری در استفاده از نیرو داد که لزوماً نیروهای امریکایی را در عمق جنگی می کشاند که در آن طالبان تنها دشمن حکومت نیستند. ارتش امریکا روز چهارشنبه برای نخستین بار اعلان کرد که سربازان امریکایی در جنگ با جنگجویان شاخه ی دولت اسلامی در شرق افغانستان زخمی شده اند: قرار گزارش چهار سرباز در جریان حمله علیه این گروه در ننگرهار جراحات هایی برداشتند که «حیات آن ها را تهدید نمی کند». بهر حال، اختیارات بیشتری که به فرماندهان امریکایی داده شده است دست باز آن ها در استفاده از حملات هوایی برای کمک به نیروهای افغان بوده است. جنرال جان نیکولسن، فرمانده نیروهای امریکایی و ناتو در یک نشست معلوماتی گفت: «به عنوان یک فرمانده و کسی که هر روز با دوستان افغانی ام از نزدیک کار می کنم، این یک تغییر کلان است - این آن ها را قادر می سازد تا ابتکار عمل علیه دشمن را حفظ کند.» «در حالی که ما قبلاً از

کار بهتری از پیش برده اند، آن ها ظاهراً در بازپس گیری مناطق از دست رفته به طالبان ناتوان بوده اند. در جنوب افغانستان، چندین ولسوالی در ولایت های هلمند و ارزگان یا تحت کنترل طالبان اند یا توسط طالبان راه های مواصلاتی آن ها مسدود شده اند و حکومت صرف به ساختمان های حکومتی چسبیده است. در سالی که در آن تلفات ملکی و نیروهای امنیتی افغانستان راه بی سابقه بودن را می بینیم، حتی تقویت نیروهای امریکایی [با اختیارات بیشتر] در انجام حملات هوایی از نگرانی های مقام های محلی نکاسته است. عبدالکریم خادمزی، رئیس شورای ولایتی ارزگان، ابراز نگرانی کرد که اوضاع امنیتی به طور فزاینده یی از کنترل خارج می شود. خادمزی گفت: «راه های مواصلاتی بسیاری از ولسوالی ها توسط طالبان مسدود شده است و صرف مراکز ولسوالی ها در ظاهر توسط حکومت کنترل می شود». انارگل، یک فرمانده محلی پولیس در خاص ارزگان گفت: «چیزی برای خوردن و پوشیدن وجود ندارد، افراد ما برای ۱۴ ماه در سنگر مانده اند و دلتنگ رفتن به خانه های شان هستند و یک روز هم مرخصی نگرفته اند تا استراحت کنند و از خطر دور باشند.» «ما در این وضع دشوار روزها و شب ها را می شماریم و هر لحظه انتظار مرگ را می کشیم». در هلمند، مقامها گفتند که حکومت در امر بازپس گیری مناطقی که سال گذشته از دست رفته اند ناتوان بوده است، هر چند حملات هوایی تاکنون جلو پیشرفت های بیشتر طالبان را گرفته است. ولسوالی باباجی در حومه ی مرکز ولایت و بسیاری از ولسوالی های شمالی این ولایت تحت کنترل طالبان اند یا طالبان برای تصرف آن ها ستیزه دارند. جنرال چارلس کلیولند، سخنگوی نیروهای ایالات متحده در افغانستان، گفت: «تا ماه می، ارزیابی ما این بود که تقریباً نه ولسوالی تحت کنترل شورشیان است و شورشیان

## شهر قندوز، افغانستان

وقتی رئیس جمهور اشرف غنی در خزان گذشته از شهر ولایت شمالی قندوز دیدار کرد، بعد از آن که این شهر سرانجام پس از سقوط به دست طالبان پس گرفته شد، وعده ی بهبودی ها را داد تا اطمینان حاصل شود که اوضاع دوباره هرگز از کنترل خارج نخواهد شد. ایجاد سه ولسوالی جدید به هدف کمک به بهبود حمایت حکومت در این ولایت از جمله ی این تغییرات بود. اما تقریباً هشت ماه بعد، این سه ولسوالی [کنون] تحت کنترل شدید طالبان قرار دارد و در حقیقت، نیروهای حکومت هرگز قادر نبوده اند تا این ولسوالی ها را تصفیه کند و مقام های جدید انتصاب کند. در بسیاری از بخش های ولایت قندوز، جاهایی که طالبان یا بسیاری از جاده ها را کنترل می کنند یا ماین گذاری کرده اند و در چندین منطقه استعمال دخانیات و گوش دادن به موسیقی را ممنوع قرار داده اند، داستان مشابهی وجود دارد. به گفته ی باشندگان محل، حتی در برخی از ولسوالی های قندوز که در ظاهر تحت کنترل حکومت است، دسترسی واقعی مقامها به بازارها و ساختمان های حکومتی محدود است و طالبان در روستاها آزادانه رفت و آمد می کنند و هفته ی گذشته، حکومت کنترل بر یک ولسوالی دیگر، قلعه ی زال، را نیز از دست داد. جنرال قسیم جنگلباف، فرمانده پولیس این ولایت، روز سه شنبه در مصاحبه یی در قندوز گفت: «ساختمان ولسوالی نه در اختیار ماست و نه در اختیار طالبان.» «ما هم ماین گذاری کرده ایم و آن ها هم ماین گذاری کرده اند. بنابراین، اوضاع شبیه عقب نشینی و پیشروی است». اوضاع در این ولایت شمالی از یک نبرد گسترده ی نیروهای امنیتی افغانستان در سال جاری حکایت می کند، در حالی که در چند ماه آینده حملات تهاجمی طالبان ادامه خواهد داشت. هر چند نیروهای افغانستان پس از ۲۰۱۵ فاجعه بار تا کنون در زمینه ی دفاع از قلمرو

## هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتهای

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

jawad.najee@gmail.com

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریایی
- معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- سر دبیر: جواد ناجی
- دبیر خبر: عصمت الله سروش
- گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
- ویراستار: عمران راتب
- صفحه آرا: هادی دریایی
- بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
- چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.



## فالكائو: سيمئونه راه موفقيت را مي داند

بخش مهمی از موفقیت‌های این تیم مدیون حضور دیگو سیمئونه بر روی نیمکت آن‌ها است. فالكائو ادامه داد: زیر نظ سيمئونه، اتلتیکو مادرید در سال‌های اخیر پیشرفت فراوانی داشته و چه در لالیگا و چه در لیگ قهرمانان، یک مدعی محسوب می‌شود. سيمئونه می‌داند چه گونه تیمش را در مسیر درست نگه دارد و حضور او برای اتلتیکو بسیار مهم و اساسی است.

رامادل فالكائو، مهاجم سابق منچستریونایتد به تمجید از دیگو سيمئونه پرداخت و اذعان داشت که او راه موفقیت را به خوبی می‌داند. فالكائو در این خصوص گفت: سيمئونه یک مربی به شدت احساساتی است. او در کارش بسیار جدی است و به کوچک‌ترین جزئیات نیز توجه می‌کند. فالكائو افزود: بسیار دشوار است که بتوانیم بدون او، اتلتیکو مادرید را این قدر قوی تصور کنیم. من معتقدم

## سرجی روبرتو:

### می خواستم بارسا را ترک کنم

صحبت نکرده‌ام؛ هرچند از تمرینات می‌توان حدس زد او چه برنامه‌هایی برای من دارد. الگوی من دنی آلس است و از او چیزهای زیادی یاد گرفتم. خیلی خوب تمرین کرده‌ایم و مشتاقم هرچه زودتر یک بازی انجام دهیم و فرقی نمی‌کند دوستانه باشد یا خیر. سال گذشته قصد داشتم از بارسا جدا شوم اما چون باشگاه نمی‌توانست بازیکن جدید جذب کند، ترجیح دادم بمانم و چانسم را امتحان کنم. خوشحالم که حالا بیشتر برای بارسا بازی می‌کنم و از حضور در این تیم بیشتر از قبل لذت می‌برم. امیدوارم امسال بیشتر از همیشه در ترکیب ثابت قرار بگیرم. ببینیم چه پیش می‌آید.

سرجی روبرتو، فصل گذشته توانست ارزش‌های خود را در بارسلونا ثابت کند در حالیکه بسیاری تصور می‌کردند او یکی از گزینه‌های خروجی آبی‌اناری‌ها خواهد بود. روبرتو که یک بازیکن چند پسته است، فصل قبل هم در میانه زمین و هم به عنوان بال راست مورد استفاده قرار گرفت و جواب هم داد؛ به‌طوریکه لوئیس انریکه حتی با وجود جدایی دنی آلس، از خرید بازیکن به جای او صرف نظر کرد. روبرتو در مورد اهدافش برای فصل جدید گفت: فرقی نمی‌کند در بارسا هافبک وسط باشم یا بال راست، چون همیشه در حال حمله کردن هستم. ترافیک در خط میانی بالاست و هنوز با انریکه

## ورزش

### سیمئونه: باخت به رئال برایم مثل مرگ بود

دیگو سيمئونه، سرمربی اتلتیکو مادرید در نشست خبری پیش از بازی دوستانه با تاتنهام شرکت کرد و به سوالات خبرنگاران پاسخ داد. پس از شکست اتلتیکو در فینال لیگ قهرمانان مقابل رئال مادرید، سيمئونه تلویحاً از استعفای خود خبر داد با این حال چند هفته بعد او در نشست با مدیران اتلتیکو متقاعد شد که به کارش ادامه دهد.

سیمئونه در نشست خبری دیروز خود گفت: من هرگز صراحتاً در مورد جدایی از اتلتیکو حرفی نزدم. آن‌چه پس از فینال درناک میلان بر من گذشت را در این نشست خبری و در این وقت کم نمی‌توانم توضیح دهم. حالا خودم را قوی‌تر و با انگیزه‌تر از همیشه برای ادامه کار با اتلتیکو می‌بینم.

از تمرین دادن بازیکنانم لذت می‌برم و آماده شروع چالش‌های جدید هستم. باید هرچه زودتر پرونده ورودی و خروجی‌ها را بسته و فقط روی تمرینات پیش فصل تمرکز کنیم تا در طول فصل، تیمی آماده برای هر رقابتی باشیم.

شکست مقابل رئال در فینال میلان، برایم مثل مرگ بود و نیاز به یک دوئل دارم و این را در زمانش انجام خواهیم داد. حالا برای هر چالشی خودم را آماده می‌بینم.

مربی‌گری همزمان در تیم ملی ارجنتاین: خیلی از مربیان دوست دارند هدایت تیم کشورشان را بر عهده بگیرند اما در حال حاضر پذیرفتن همزمان مربی‌گری باشگاه و تیم ملی امکان‌پذیر نیست چون تعهدات به باشگاه اجازه این کار را نمی‌دهد اما شاید در آینده این موضوع حل شود.

## پوگبا در تست‌های پزشکی

### یونایتد در لس آنجلس

فرانس فوتبال و اکیپ مدعی شدند که پل پوگبا پنج‌شنبه شب تست‌های پزشکی باشگاه منچستریونایتد را در شهر لس آنجلس پشت سر گذاشته است.

نبیل جلیت که خبرنگار مشهور این دو خبرگزاری فرانسوی است، مدعی شد که پوگبا روز پنج‌شنبه با وجود این‌که در آخرین ساعت‌های روز به شهر لس آنجلس رسیده ولی در تست‌های پزشکی یونایتد در این شهر شرکت کرده و احتمالاً به زودی انتقالش قطعی می‌شود. این تست قرار بود که پیشتر از او گرفته شود ولی عدم توافق روی جزئیات باعث شده بود که به تاخیر بیفتد. انتقال پوگبا برای یونایتد طبق ادعای تلگراف ۱۱۰ میلیون یورو هزینه داشته است و او را به گران‌ترین بازیکن تاریخ تبدیل می‌کند.

## اینیستا: از رقابت در خط

### میانی استقبال می‌کنم

آندرس اینیستا، کاپیتان بارسلونا مدعی شد که آماده رقابت در خط میانی این تیم با دیگر هافبک‌ها است. با پیوستن آندره گومس، تعدد هافبک‌ها در خط میانی بارسا بیش از پیش شده است. اینیستا، راکیتیچ، بوسکتس، توران، سرجی روبرتو و رافینیا هافبک‌های بارسا هستند و حال اینیستا از این رقابت استقبال کرد. او گفت: اگر بگویم که نگران رقابت سالم و سازنده خط میانی بارسا هستم به ضررم خواهم بود. من همچنان شور و انگیزه زیادی برای این‌که بازیکن مهمی در باشگاه باشم دارم. مطمئنم که همه همین‌طور فکر می‌کنند. نظرشان راجع به کیفیت و تلاش و انگیزه ما عوض نشده و ما همچنان می‌خواهیم کارهای بزرگ انجام دهیم.



## گواردیولا: هنوز ریبری را خیلی دوست دارم

پپ گواردیولا، سرمربی منچسترسیتی مدعی شد که با وجود انتقادات اخیر ریبری از او، هنوز هافبک فرانسوی را دوست دارد. گواردیولا ۳ فصل در بایرن مونیخ سرمربی‌گری کرد و ۳ قهرمانی پیاپی در این لیگ به دست آورد. با این حال ریبری نقش پررنگی در این ۳ قهرمانی نداشت و بیشتر فصل‌ها را با

مصدومیت سپری کرده بود. او اخیراً از نیمکت‌نشینی‌هایش انتقاد کرده بود ولی حال گواردیولا مدعی شد که با وجود این صحبت‌ها همچنان ریبری را دوست دارد.

او گفت: درباره ریبری باید بگویم که او را خیلی دوست دارم. خیلی خوب است که او من را جوان می‌داند زیرا من همچنان در حال یادگیری هستم.

## آلگری:

### هیگواين قهرمانی ما را تضمین نمی‌کند

آلگری در همین رابطه گفت: هیگواين یک خرید بسیار بزرگ است همان‌طور که دیگر تازه واردی‌ها ما چنین خصوصیتی دارند اما تضمین کننده قهرمانی یوونتوس نیست.

تیم در مسیر درستی قرار دارد، رقابتی‌تر از فصول گذشته نیز شده است. ما و هواداران از فصل خوب نقل و انتقالاتی‌مان لذت می‌بریم اما فرصتی برای استراحت نداریم و نباید فکر کنیم با توجه به سابقه و تاریخ و با توجه به خریدهای بزرگ‌مان از حالا قهرمانی در مشت‌مان است. این خریدها ضامن نتیجه‌گیری قطعی ما نخواهند بود بلکه باید برای رسیدن به موفقیت و پیروزی سخت کار کنیم.

مکس آلگری، سرمربی یوونتوس تاکید کرد که خریدهای بزرگ این فصل یووه به خصوص هیگواين، ضامن موفقیت حتمی بانوی پیر نخواهد بود.

یوونتوس در فصل نقل و انتقالات امسال عالی عمل کرده و ستاره‌های بزرگی چون هیگواين، آلس، پیاکا، پیانیچ و بن عطیه را به خدمت گرفته است. آن‌ها هیگواين را با رقم ۹۰ میلیون یورو جذب کردند تا این ستاره ارجنتاینی فعلاً به سومین بازیکن گران‌قیمت تاریخ فوتبال بدل شود.

بسیاری از حالا یووه را قهرمان سری A می‌دانند و پیش‌بینی می‌کنند بانوی پیر یکی از چانس‌های مسلم قهرمانی اروپا نیز باشد.

## اینیستا: می‌فهمم چرا

### مهاجمان به بارسا نمی‌آیند

مهاجمان ترجیح می‌دهند به پیشنهاد باشگاه پاسخ منفی بدهند.

سخت است یک مهاجم باشی و بخواهی به این بارسلونا ملحق شوی؛ با این حال حضور در بارسا برای هر بازیکنی یک افتخار خواهد بود و چنین موقعیتی راحت نصیب هر کسی نمی‌شود. هر مهاجمی که بیاید این فرصت را خواهد داشت تا به تیم کمک کرده و خودش را نشان دهد. خواهیم دید بالاخره این مهاجم جدید جذب خواهد شد یا خیر. البته تا همینجا هم بازیکنان جوان و خوبی جذب شده‌اند که می‌توانند به بارسا در طول فصل کمک فراوانی کنند. اومتیتی، دینیه، دنیس سوارز و گومس، خریدهای خوبی هستند به خصوص آندره گومس که یک خرید عالی برای باشگاه بود.

بارسلونا این روزها سخت در تلاش است تا یک مهاجم نوک جدید به خدمت بگیرد اما از پیشنهاد بارسا کم‌تر مهاجمی استقبال می‌کند.

نولیتو و ویه تو، شاخص‌ترین بازیکنانی بودند که ترجیح دادند به تیمی دیگر غیر از بارسلونا ملحق شوند (سیتی و سوپا)؛ با این حال مدیر ورزشی بارسا وعده داده است که تا پایان مهلت نقل و انتقالات، به‌طور حتم یک مهاجم جدید جذب خواهد شد. از باکا، ماریو گومز و حتی فان پرسی به عنوان گزینه‌های بارسلونا نام برده شده است.

آندرس اینیستا، کاپیتان بارسلونا در همین رابطه گفت: با توجه به سه مهاجم شاخصی که در بارسا حضور دارند (مسی، سوارز و نیمارا)، قابل درک است که چرا

## هیگواين: ثابت می‌کنم

### ارزش این انتقال را داشتم

باشگاه مهمی در سطح دنیا است. یکی از دلایلی که این باشگاه را انتخاب کردم، وجود ذهنیت فوق‌العاده در این باشگاه است. یوونتوس تیم فوق‌العاده‌ای است. آن‌ها ذهنیت پیروزی دارند و پروژه فوق‌العاده‌ی در این باشگاه است. اکنون باید ارزش‌هایم را نشان بدهم و امیدارم فصل فوق‌العاده‌ی داشته باشم. جدایی هیگواين از ناپولی واکنش‌های شدیدی از سوی هواداران این تیم به همراه داشت اما او ادعا کرد که آتورلیو دی لورنتیس، رئیس باشگاه ناپولی، او را به چنین انتقالی ترغیب کرد: رابطه من با او هرگز خوب نبود زیرا شیوه تفکر او مثل من نبود. من این انتخاب را کردم زیرا او من را ترغیب به این کار کرد. اکنون خیلی خوشحالم که این‌جا هستم و از باشگاه یوونتوس به خاطر تلاش فوق‌العاده‌شان برای به خدمت گرفتن من تشکر می‌کنم.

گونزالو هیگواين، مهاجم جدید یوونتوس، اعلام کرد که قصد دارد ثابت کند ارزش مبلغ ۹۰ میلیون یورویی که برای خریدش پرداخت شده را دارد.

این ملی‌پوش ارجنتاینی که با قراردادی ۵ ساله به یوونتوس پیوست، به سومین بازیکن گران‌قیمت تاریخ تبدیل شد. او فصل گذشته با به ثمر رساندن ۳۶ گل در سری A، رکورد ۶۶ ساله گونار نوردال را شکست و کمک کرد تا ناپولی پشت سر یوونتوس، در رتبه دوم قرار بگیرد. او اکنون آماده است تا به تیم جدیدش نشان بدهد که ارزش این مبلغ هنگفت را داشته است. او به خبرنگاران گفت: در زندگی، شما تصمیماتی می‌گیرید که فکر می‌کنید برای تان بهترین است. من با انتخاب یوونتوس، چنین مسیری را طی کردم. واضح است که تصمیم آسانی نبود. روزهای طولانی با خانواده و دوستانم صحبت کردم. یوونتوس

## گواردیولا:

### سانه و استونز را می‌خواهیم

پپ گواردیولا در نشست خبری پس از بازی با دورتموند تایید کرد که سیتی به دنبال جذب لروی سانه و جان استونز است. منچسترسیتی فعالیت خوبی تا بدین‌جا در بازار نقل و انتقالات داشته و بازیکنانی چون نولیتو، گوندوغان و زینچنکو را جذب کرده؛ ضمن این‌که شایعه شده است این تیم در صدد جذب لروی سانه، ستاره شالکه و نیز جان استونز، مدافع ارزشمند اورتون است.

پپ گواردیولا در نشست خبری پس از بازی با دورتموند تایید کرد که سیتی به دنبال جذب لروی سانه و جان استونز است. منچسترسیتی فعالیت خوبی تا بدین‌جا در بازار نقل و انتقالات داشته و بازیکنانی چون نولیتو، گوندوغان و زینچنکو را جذب کرده؛ ضمن این‌که شایعه شده است این تیم در صدد جذب لروی سانه، ستاره شالکه و نیز جان استونز، مدافع ارزشمند اورتون است.



۲۰۰٪ وړيا كړېډېټ  
له ام ټي ان څخه ام ټي ان ته



Anniversary

## د ام ټي ان لسمه كليزه مو مبارک!

د ام ټي ان افغانستان د لسمې كليزې په مناسبت د ام ټي ان ټول هغه پيروونكي چې د روان كال د چنگاښ د مياشتې په ۳۱ نيټه په خپلو حسابونو كې كړېډېټ زيات كړي، له ام ټي ان څخه ام ټي ان ته به د اړيكو، ليكلو پيغامونو او انټرنېټ لپاره له ۲ ورځو اعتباري مودې سره تر ۲۰۰ سلنه وړيا كړېډېټ ترلاسه كړي.

د وړيا كړېډېټ د معلومولو لپاره #۷۸۹\*۴۷\* ډايل كړئ.  
وړيا كړېډېټ په لومړي ځل حساب زياتونې سره په هماغه ورځ وركول كېږي.



د لار زياتو معلوماتو لپاره له ۷۷۹ شمېرې سره اړيکه ونيئ.  
د سيکارډ لپاره لار زياتو لپاره دي.  
www.mtn.com.af | MTN.Afghanistan | @MTNAF  
LinkedIn | MTN Afghanistan | MTNAF

په هرځای کې له تاسو سره



د آريانا افغان هوایی شرکت  
ARIANA AFGHAN AIRLINES

+93(0)777071333  
+93(0)700071333  
+93(0)790071333  
+93(0)786071333  
www.flyariana.com  
info@flyariana.com



همگام با شما در سفر حج بیت الله شریف  
د آريانا افغان هوایی شرکت افتخار مينمايد که  
پروسه انتقال حجاج محترم را امسال نيزبدوش  
داشته و پرواز های حجاج گرامی از کابل و ولايات  
عنقریب آغاز میابد

## سیگار: تنها ۶۵ درصد از خاک افغانستان در کنترل دولت است



SIGAR

SPECIAL INSPECTOR GENERAL FOR  
AFGHANISTAN RECONSTRUCTION

که طالبان ۳۰ درصد خاک افغانستان را در کنترل دارند. این گزارش نشان می‌داد که گروه طالبان بر مناطق بیشتری از افغانستان نسبت به دیگر سال‌های پس از سقوط حاکمیت این گروه در سال ۲۰۰۱، نفوذ یا کنترل دارد.  
آن زمان حکومت افغانستان گزارش سیگار را نادرست خواند. سید ظفر هاشمی، معاون سخن‌گوی رییس‌جمهور گفته بود که شدت جنگ سال ۱۳۹۴ بی‌سابقه بود و این به آن معنا نیست که طالبان قادر شده باشند فیصدی بیشتر خاک افغانستان را در کنترل بگیرند.  
همچنان یک گزارش «مرکز همکاری بین‌المللی» به ماموریت ملل متحد که اوایل امسال نشر شد، نشان می‌داد که حکومت افغانستان در سال ۲۰۱۵ به ۶۱ درصد ولسوالی‌ها دسترسی داشته است، در حالی که در سال ۲۰۱۰ به ۶۷ درصد ولسوالی‌ها دسترسی داشت.  
پانزده سال بعد از حضور نظامی ایالات متحدهی امریکا و نیروهای ناتو علیه گروه طالبان و القاعده در افغانستان، شورشیان طالبان حالا بیشتر از هر زمان دیگری بعد از سال ۲۰۰۱ مناطق بیشتری را تحت کنترل خود دارند.

۶۵٫۶ درصد در اواخر ماه می کاهش یافته است. براساس این گزارش، حکومت از حدود ۴۰۰ ولسوالی در کل کشور، کنترل ۱۹ ولسوالی را از دست داده است.  
به نقل از دویچه وله، در این گزارش به نقل از نیروهای امریکایی گفته شده است که نظامیان افغان کنترل این مناطق را به‌دلیلی از دست داده‌اند که آن‌ها از مناطقی با اولویت پایین «برای انجام عملیات‌های تهاجمی، به دست گرفتن ابتکار عمل و حفظ آن، استفاده از فرصت‌ها و تحکیم دست‌آوردهای تاکتیکی» به دیگر مناطق مستقر شده‌اند.  
در این ارتباط جنرال جان نیکلسون، فرمانده عمومی نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان گفته است که بسیاری جاهای زیر کنترل طالبان مناطق روستایی‌اند. او روز پنج‌شنبه در یک کنفرانس ویدیویی به پنتاگن گفته: «آن‌ها (طالبان) به این باورند که می‌توانند مناطقی را تصرف کرده و نگهدارند، اما این کار را نتوانسته‌اند.»  
مقام‌های کشور تاهنوز در رابطه به این گزارش ابراز نظر نکرده‌اند.  
در ماه دلو سال گذشته سیگار در گزارش خود گفت

سیگار در این گزارش که روز جمعه منتشر کرده، به نقل از اطلاعات تهیه شده از سوی نیروهای امریکایی نوشته که مناطق زیر «کنترل یا نفوذ» دولت از ۷۰٫۵ درصد در اواخر جنوری امسال به

اطلاعات روز: اداره‌ی بازرسی امریکا برای بازسازی افغانستان (سیگار) در گزارش تازه‌یی می‌گوید که دولت افغانستان تنها بر ۶۵ درصد خاک این کشور کنترل دارد.